

به نام خدا

بعد از ظهر یک روز معمولی

مریم میرزایی

سیده معصومه معنوی

www.ketab.ir

سرشناسه: میرزایی، مریم، ۱۳۶۱ اردیبهشت -
عنوان و نام پدیدآور: بعداز ظهر یک روز معمولی / مریم میرزایی، سیده معصومه معنوی.

مشخصات نشر: رشت: شمیم مهر و اندیشه، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۶۸ ص:؛ ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۶۹-۹۲-۲ ۴۹۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع: Short stories, Persian -- ۲۰th century -- Collections

شناسه افزوده: معنوی، سیده معصومه، ۱۳۶۵ -

رده‌بندی کنگره: PIR4249

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۰۹۷۹۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

بعداز ظهر یک روز معمولی

نویسندگان: مریم میرزایی و سیده معصومه معنوی

ناشر: انتشارات شمیم مهر و اندیشه

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۶۹-۹۲-۲

انتشارات شمیم مهر و اندیشه با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

*** (ارتقای رتبه و رزومه علمی با چاپ ارزان کتاب از پایان‌نامه و ...) ***

(کلیه خدمات چاپ در کمترین زمان به صورت حضوری و یا غیر حضوری در سراسر ایران و با کمترین هزینه ممکن)

۲۹۰ ۴۵ ۴۵ ۰۹۱۱ *** ۰۱۳۳۳۵۴۱۵۱۷ *** سامانه پیامکی: ۰۸۰۰۲۰۳۰۱۰۰۰۰۸



نمایشگاه و فروشگاه مجازی نشر: shamim_pub

shamim.pub@yahoo.com

shamim-inst.ir

فهرست

۵ مقدمه

۷ وصال

۱۹ بعد از ظهر یک روز معمولی

۲۳ روزی که می‌آیم

۲۶ نمره

۳۱ فقط سه روز

۴۷ تک پسر

۵۵ مستانه

۵۹ تحفه ای برای طلعت

۶۱ پاستیل

۶۵ پیراهن گلی

مقدمه

حالا که بیش از یک سال ونیم است کرونا مهمان ناخوانده ما شده و همچنان یکه تازی میکند، ناچاریم برای عبور از این ثانیه‌ها، زندگی کنیم... بخندیم... روحیه باشیم... دلتنگی‌ها را دفن کنیم لایه‌لای خنده‌ها و التیام باشیم برای آدم‌های مغموم محصور شده در کنج...

من باید برای کودک چهارساله هم بازی شوم، برای محمد معلم، صد بار رابطه فیثاغورث را می‌پرسم و صدویکمین بار که می‌پرسم انگار بار اولش است.

برای طه یک رفیق فابریک که دلتنگی‌هایش را بریزد وسط و من سنگ صبورش باشم.

و حتی یک شاگرد تمام عیار برای استادمان. گاهی لابلای آشپزی تکرار تدریس فلسفه را گوش می‌دهم که در دهم تبدیل شود، سرجمع دو جمله‌اش هم در دهم نمی‌ماند. یا نظرات برتراند راسل و آسکلم مقدس را.

عصرها را می‌رویم در تراس.

۵ تا استکان چایی هل دار را می‌گذارم در سینی گل دار سفید. با کیک‌ی که پف چندانی نکرده، اما هر برش از آن طعم مهربانی می‌دهد.

تفریح‌هایمان را تقسیم می‌کنیم بین آخر هفته‌ها، آن هم بالای پشت بام.

شاید تسلیم این نه‌دیده‌ها شویم. باید بوی زندگی را لایه‌لای سطرهای زندگی بخش کنیم.

باید صبور باشیم تا تمام شود سوز زمستانی و غروب‌های دلگیری که انگار پهنه زمین را گرفته.